



یکشنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۴
 وطن امروز | شماره ۴۳۲۱

[فرهنگ وهنر]

به عبارت دیگران

روضة خریدا!

مکه، دوشنبه ۳۱ فروردین. امروز صبح من هم افتادم به خرید. چنین بازاری هیچان خرید به آدم می‌دهد. به گمانم اغلب چیزهایی که مردم به عنوان سوغات می‌خرند، اول همین‌جوری می‌خرند؛ یعنی به تبعیت از همین هیچان بازار و بعد که به وطن برگشتند روی هر کدام اسم می‌گذارند که سوغات برای فلان خویش و عصای خیزران، چند بسته عود شامی و ۴ تا قلم خودنویس حضرات همسفرها پرسوجوکنان که‌تو‌چه خریدهای؟ از قلم خوش‌شان آمد و چند نفری سراغ گرفتند که بخرن‌داماز خیزران خوش‌شان نیامد. کسی چیزی نگفت ولی می‌شد فهمید چرا. آخر تبری که گلولی «علی‌صغر» را درید، از چوب خیزران بود... مگر می‌شود سفرنامه حج بنویسی و گریز به کربلا نزنی؟

جلال آل‌احمد/ خسی در میقات
 انتشارات امیر کبیر – صفحه ۱۰۸

وقتی امام خمینی نامه مهندس بازرگان را پاره کردند
 بازرگان نامه‌ای به امام نوشت که با بسم‌الله شروع نشده بود. به جای «نقلاب اسلامی» هم از لفظ «نقلاب ایران» استفاده کرده بود.

امام در چا نامه را پاره کردند و فرمودند: «بگویند به ایشان فلاّنی نامه را پاره کرد. چند بار من به شما بگویم که انقلاب، «نقلاب اسلامی» است؟ «نقلاب» در ایران کار نکرد؛ این «اسلام» بود که کار کرد».

محمدعلی الفتور/ حاشیه‌های مهم‌تر از متن
 (چاپ سوم، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳)– صفحه ۲۳۹

اعتقاد ندارم تربیت فرزند مشکل است
 والدین تنها باید استعدادهای درونی فرزند خود را شکوفا کنند که ما از آن به «بیارِی زمین وجود کودک» تعبیر می‌کنیم. زمین‌وجودی کودک، آماده است. پدر هم آماده است. در این حال والدین اگر به این زمین آماده آه ندهند، خیانت کرده‌اند؛ چه‌سا جنایت کرده‌اند. این آبیاری کودک [هم] از ۲ طریق ممکن و بصری است: تربیت کودک خیلی ظرافت دارد ولی در عین حال مشکل نیست. من برخلاف تصور همه که تربیت فرزند را امری مشکل تلقی می‌کنند، معتقدم تربیت فرزند خیلی مشکل نیست ولی دارای ظرافت‌های علمی فراوان است.

مجتبی تهرانی/ ادب الهی
 کتاب سوم: تربیت فرزند – مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصلح‌الیه‌دی – پشت جلد

بهترین چیزی که می‌توانیم به انقلاب هدیه کنیم
 ... با قاطعیت به من جواب داد: «نه» تو داری اشتباه می‌کنی. علم اصل است و برای هر جوانی لازم است که درس بخواند. امام خمینی «قدس سره» می‌فرمایند: «تغویید انقلاب برای ما چه کرد؟ است بگویند شما برای انقلاب چه کرده‌اید؟» یعنی بر همه ما واجب است که به انقلاب چیزی تقدیم کنیم. با علم است که انسان می‌تواند یک قدمی در مسیر تقویت مقاومت بردارد و قدرت آن را افزایش بدهد.بویژه اگر برای انسان شرایطی مثل شرایط تو فراهم باشد. حتی کسی که به خاطر مشکل پزشکی نگران نباشد، درش را به پایان برساند، باید به نحوی در حد توانش علم آموزی کند».

سپس ادامه داد: «هیچ‌کس نمی‌داند احتمالاً چه موقع راه جهان نظامی بسته خواهد شد. فقط خداوند متعال این را می‌داند. حالا فرض کن همه ما بخوایم مثل تو فکر کنیم؟ چه کسی روی مسئولی‌های درس باقی خواهد ماند؟ چه کسی در جنگ مغزا، پیروزی را رقم خواهد زد؟ خوب به زندگی آنهایی که تواناستند معادلات را به نفع مقاومت تغییر بدهند نگاه کن! همه آنها به خاطر برتری علمی‌شان توانستند مقاومت را در عرصه‌های مختلف به پیروزی برسانند».

غیداء مجاهد/ منتصر
 اسیری در زندگی شهید محمدحسین جونی[یوسف سرشار – (چاپ اول، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۸)– صفحه ۱۰۸

اجازه هست آقای سفیر کبیر؟
 در گزارش مؤسسه مطالعات دیپلماتیک دانشگاه جورج تاون و واشنگتن در سال ۱۹۶۴ آمده است: «مایاندگانی که بتازگی با اجازه شاه برای مجلس انتخاب شده بودند، از مقامات سفارت آمریکا می‌پرسیدند آیا مصلحت می‌بینید که در نطق‌شان به هر دلیلی از حکومت انتقاد کنند. نامزد‌ها – یا نامزدهای آتی – مقام نخست‌وزیری پیش اعضای سفارت آمریکا از محبوبیت و کمالات خود تعریف می‌کنند. دعوت کردن و یا نکردن سفیر آمریکا یا زبردستان ارشدش از کسی برای او امری مهم‌است».

حسین آبادیان/ ۲۵ده واپسین حکومت پهلوی
 انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
 صفحه ۴۳۸

یک دور تسبیح «مرگ بر آمریکا»
 موقع برگشتن از آنجا تا محل هلیکوپتر‌ها یک دور تسبیح «مرگ بر آمریکا» گفت. گفت: آقای مشکینی گفته «ثواب گفتن مرگ بر آمریکا کمتر از نماز نیست»

فرهاد خضری/ به‌مجنون گفتیم زنده بمان
 جلد ۲، کتاب مهدی باکری – انتشارات روایت فتح– صفحه ۸۰

حضرت امام صادق(ع):

عدالت را بین فرزندان‌تان موعات کنید، همان‌طور که دوست دارید آنها در نیکی و اظهار مهریانی بین شما به عدالت رفتار کنند.

تحلیلی روانشناختی بر مینی‌سریال «نوجوانی»

نسل Z اروپا و میراث نامرئی خشم



آراز مطلب‌زاده

و تهیه‌کنندگی جک تون و استیون گراهام و کارگردانی فیلیپ بارنتینی ساخته شده است. یکی از ویژگی‌های خاص و منحصربه‌فرد این اثر، شیوه کارگردانی، میزاسن و فیلمبرداری آن است. هر قسمت از این سریال در یک برداشت متوالی، یا اصطلاحاً سکانس – پلان فیلمبرداری شده است. یعنی در طول هر قسمت از سریال، تا هنگام بالا آمدن تیتراژ نهایی، تصاویر به هیچ‌وجه کات نمی‌خورند. پخش این سریال در حوالی بهار امسال از شبکه نتفلیکس آغاز شد و به خاطر کارگردانی، نویسندگی و فیلمبرداری و توجه ویژه به فضاسازی و اجراهایش مورد تحسین منتقدان قرار گرفت؛ چنانکه به طور مثال، ۹۹ درصد از ۱۰۲ نقدی که وب‌سایت راتن‌تومیتوز از این مجموعه جمع‌آوری کرده، با میانگین امتیاز ۹،۴ از ۱۰ مثبت هستند و متاکرتیک هم بر اساس ۲۷ نقد به آن امتیاز ۹۱ درصد داده است اما همه چیز در فرم خاص این اثر خلاصه نمی‌شد و محتوای روانشناختی پیچیده آن هم توجهات بسپاری را به خود جلب کرد.

ماجرای این قرار است که در یکی از شهرهای انگلستان، نیروهای پلیس به خانه‌ای حمله می‌کنند و جیمی میلر، پسر ۱۳ ساله را به ظن قتل همکلاسی‌اش کیتی لنوئارد، دستگیر می‌کنند. جیمی برای بازجویی به کاتلری منتقل می‌شود و سپس در یک مرکز آموزشی امن تحت بازداشت موقت قرار می‌گیرد. تحقیقات در مدرسه جیمی و مصاحبه با یک روانشناس پزشکی قانونی، دیدگاه‌های جیمی نسبت به زنان را آشکار می‌کند که با فضای مجازی و قلدری‌هایی که در رسانه‌های اجتماعی دریافت کرده، مرتبط است. از سوی دیگر، خانواده جیمی با واکنش منفی جامعه علیه خود دست و پنجه نرم می‌کنند و برای مقابله با دستگیری و بازداشت بعدی جیمی با هم مشغول همکاری می‌شوند.

استقبال جهانی از این سریال باعث واکنش‌های یک‌سری از سیاستمداران نسبت به آن هم شد؛ تا جایی که ایلان ماسک، تاجر مشهور و وزیر سابق بهروری ترامپ، در توثیت خود یک تئوری توطئه را مطرح کرد مبنی بر اینکه این سریال به دلیل انتخاب یک بازیگر سفیدپوست برای ایفا نقش جیمی، تبلیغات ضدسفیدپوستی است. این تئوری ادعا می‌کرد که این سریال بر اساس جریان معروف به «چاقوکنشی‌های ساوت‌پورت» در سال ۲۰۲۴ ساخته شده است (ماجرایی که قاتل اصلی آن یک نوجوان سیاه‌پوست ۱۷ ساله بود) و به تصویر کشیدن مجرم به عنوان سفیدپوست، انتخابی عمدی برای اهریمن جلوه دادن سفیدپوستان بوده است. البته جک تونن که یکی از نویسندگان مجموعه «نوجوانی» بود، این ادعا را مسخره خواند و اظهار کرد این سریال تلویزیونی بر اساس هیچ رویداد واقعی ساخته نشده است. چنانکه اشاره شد، این سریال غیر از جنبه‌های مختلف فنی که فرم روایت و شیوه کارگردانی و فیلمبرداری آن از مهم‌ترین خاصه‌هایش بود، به لحاظ جنبه‌های روانکاوانه‌ای که داشت، بویژه توجه به مساله ترومای روانی یا همان روان‌زخم‌های ناپدید، بسیار مورد توجه قرار گرفت و رسانه‌ها دلالت‌های گوناگون داده که مذاکراتی برای ساخت فصل دوم آن در جریان است. در ادامه، ضمن ارائه توضیحاتی درباره چستی ترومای روانی و بررسی جنبه‌های مختلف آن، سوبیه‌های روانشناختی سریال «نوجوانی» که فراتر از ایجاد سرگرمی، سعی در مطرح کردن بحث‌های تئوریک عمیقی داشته‌اند، بررسی شد.

■ دعوت‌نامه‌ای برای دیدن زخم‌های ناپدید

سریال نوجوانی با بهره‌گیری از فرم روایی سکانس – پلان و کاوش عمیق در مفاهیم روانکاوانه، تصویری تکان‌دهنده و چندلایه از تروما، هویت و روابط بین‌نسلی ارائه می‌دهد که مخاطب را به تأمل در زخم‌های پنهان روان وامی‌دارد. این سریال، با دنبال کردن سفر جیمی میلر، نوجوانی که درگیر قتلی تکان‌دهنده می‌شود، از سطح خودآگاه به عمق ناخودآگاه پیش می‌رود و نشان می‌دهد که چگونه تروما، بویژه در دوره حساس و شکننده نوجوانی، می‌تواند هویت و سوژگی فرد را متزلزل کند و او را در برابر فشارهای روانی و اجتماعی آسیب‌پذیر سازد. تمرکز سریال بر ترومای بین‌نسلی که از طریق رابطه پیچیده جیمی با پدرش آشکار می‌شود، نه‌تنها به درک عمیق‌تر ریشه‌های رفتار تراجنک و کمک می‌کند، بلکه پرسش‌های بنیادینی درباره چگونگی انتقال ناخودآگاه امیال، شرم و زخم‌های روانی از نسلی به نسل دیگر مطرح می‌کند. از منظر روانکاوی، سریال با ارجاع به مفاهیمی چون «بازگشت سرکوب‌شده» فروید و نظریه دلبستگی بابلی، نشان می‌دهد چگونه تجربه‌های تروماتیک پدر جیمی که خود قربانی خشونت و تحقیر بوده، به صورت ناخودآگاه در روان جیمی بازتولید شده و او را به سمت خشونتی قاجع‌بار سوق داده است. استفاده از تکنیک سکانس – پلان که به‌مثابه کدوکاوی پلیسی در روایت عمل می‌کند، امکان می‌دهد تا قطعات پراکنده تروما به‌تدریج گردآوری شده و معنایی نمادین یابند و این امر سریال را به

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
 مدیر‌عامل: زهرا شکیبایی
 سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
 روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲ ۶۶۴۱۳۱۳۷ ۶۶۴۱۳۱۳۷
 پیام‌رسان: @vatanemrooz ۶۶۴۱۳۱۳۷ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir

چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰



تکنیکال را پیش

می‌کنش: چرا سریال

چنین تکنیکی را برای فرم

روایی خود انتخاب کرده است؟ پاسخ به این پرسش

در پیوند عمیق با ماهیت پاره‌پاره و معشوش تروما نهفته

است. تروما، همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد، به صورت

پراکنده، مبهم و نامنسجم در روان ظاهر می‌شود و کشف آن

نیازمند کندوکاوی تدریجی و زمانبر است. سکانس – پلان،

با ایجاد پیوستگی زمانی و روایی، به مثابه پادهرزی برای این

پراکندگی عمل می‌کند. دوربین، با دنبال کردن بی‌وقفه وقایع،

تلاش می‌کند قطعات پراکنده روما را گردآوری کند، آنها را به

شکلی نمادین و معنادر درآورد و امکان بازخوانی روانکاوانه آن

را فراهم کند. این فرم روایی، سریال را به سفری تدریجی از

سطح خودآگاه به عمق ناخودآگاه هدایت می‌کند، جایی که

لایه‌های پنهان تروما به‌تدریج آشکار می‌شوند. سریال، با هر

قسمت، به هسته تروماتیک داستان نزدیک‌تر می‌شود و در

قسمت پایانی، با تمرکز بر شخصیت پدر جیمی، به ترومای

بین‌نسلی می‌رسد که ریشه‌های رفتار جیمی را توضیح

می‌دهد. قسمت اول، با نمایش روال بروکراتیک اداره پلیس،

سطحی‌ترین لایه داستان را نشان می‌دهد؛ جایی که صرفاً با

واقعیت عینی قتل مواجهیم، قسمت دوم، با ورود به فضای

مدرسه، روابط تنش‌زا و آزارفضای تنگ مدرسه، همگی این موارد

جیمی و دیگر دانش‌آموزان پسر را در معرض غفلت، طرد و

نادیده‌انگاری قرار داده است. این محیط، به عنوان استعاره‌ای

از جامعه‌ای که هویت‌های شکننده را سرکوب می‌کند، عمل

می‌کند. نورپردازی سرد و فضاهای تنگ مدرسه، حس خفقان

روانی را تقویت می‌کنند و از منظر روانکاوی لکانی، می‌توان

آن را به عنوان «بگری بزرگ» تفسیر کرد که هنجارهای

جامعه‌ای و انتظارات مردانگی را بر جیمی تحمیل می‌کند.

در قسمت سوم، جلسه روانشناسی، فضایی برای مواجهه

جیمی با ناخودآگاهش فراهم می‌آورد. رابطه او با درمانگر که

شباهت‌هایی به دانیامیک رابطه‌اش با کیتی دارد، تلاش او

برای اثبات قدرت، اراده و مردانگی را نشان می‌دهد. جیمی

در این جلسه می‌کوشد با تأکید بر «من مرد هستم»، سوژگی

متزلزل خود را در کوران بحران‌های نوجوانی تثبیت کند. این

تلاش، ریشه در بحران هویتی دارد که از تعاملات او با کیتی نیز

سرچشمه گرفته و در نهایت به قتل او منجر شده است. اما این

بحران هویت از کجا نشأت می‌گیرد؟ پاسخ در قسمت چهارم،

در خانه پدر جیمی، آشکار می‌شود. دوربین، با ورود به این

فضا، به دال فرم مرکزی روان پدر، یعنی مساله اقتدار و مردانگی،

می‌رسد. پدر از کودکی پر از خشونت و تحقیر توسط پدر خود

سخت می‌گوید؛ جایی که احساس ناتوانی، شرم و ضعف در او

نهاده‌نی شده است. او تلاش کرده تا پدری متفاوت باشد اما

ناخودآگاه، بار روانی خود را به جیمی منتقل کرده است. از

منظر روانکاوی، ترومای بین‌نسلی به انتقال ناخودآگاه امیال،

فانتزی‌ها و احساسات نسل قبلی به نسل بعدی اشاره دارد.

پدر جیمی، گرفتار بحران اقتدار و ترس از فقدان مردانگی، این

شرم نازبسته را در جیمی منتقل کرده است. جیمی که گمان

می‌کند هرگز دیده نخواهد شد و به عنوان مرد به رسمیت

شناخته نمی‌شود، در این شرم و ضعف غرق شده و پدر، با

رفتارش، این احساس را در او تقویت کرده است. این شرم به

خشمی درونی در جیمی تبدیل شده و او، در تلاش برای رهایی

از آن، به برون‌فکنی خشونت روی می‌آورد. کیتی، تلاشی

تراجنک برای اثبات مردانگی و خلاصی از شرمی ویرانگر است

سفیدشویی جنایت

دلهره‌آور است. براساس گزارش اسرائیل هیوم، «پانتکارت بین‌المللی علیه اسرائیل در حال گسترش است. نبود دیپلماسی عمومی به آسیب‌های دیپلماتیک قابل لمس منجر می‌شود». به اذعان این رسانه، یکی از دلایلی که رژیم وضعیت خوبی در افکار عمومی جهان ندارد، آشفتنی سیستم‌هاسبارا در آن است. به نوشته این رسانه، «در سال‌های اخیر، نه‌تنها هیچ رئیس یا سرپرستی برای سیستم ملی‌هاسبارا منصوب نشده است، بلکه حتی فردی به طور موقت مسؤولیت این واحد را به عهده نداشته است.

نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو که زمانی دیپلماسی عمومی را به عنوان نشان‌واره خود معرفی می‌کرد، جایگزینی دلهره‌آور است. براساس گزارش اسرائیل هیوم، «پانتکارت به‌استفاده از فرهنگ، ورزش، تکنولوژی و پزشکی اسرائیل را ادامه دهد تا چهره‌های غیرسیاسی اسرائیل را به نمایش بگذارد». این توصیه‌ها خیلی زود جامه عمل پوشید. برای مثال، رسانه اسرائیل هیوم گزارش داد: «وزارت خارجه [اسرائیل] یک اتاق جنگ رسانه‌ای مجهز به هوش مصنوعی [آراندازی کرد تا اخبار جهانی را آنلاین نظارت کند و پاسخ‌های سریع و مؤثر به بحران‌های رسانه‌ای ارائه دهد].

برعکس تمام این تلاش‌ها باید گفت وضعیت رژیم صهیونیستی حتی از منظر رسانه‌های اِین رژیم نیز

که ریشه در

ترومای بین‌نسلی دارد.

■ فستیوالی از نظریات روانشناسان

بسیاری از فیلم‌ها با سریال‌های تلویزیونی و حتی آثار هنری

دیگر، پس از تولید و عرضه شدن، توسط روانشناسان مورد

تحلیل قرار می‌گیرند. یعنی ممکن است آن هنرمند به طور

ناخودآگاه مساله‌ای که با روانشناسی مرتبط بوده را مطرح کرده

باشد اما به طور مشخص، در نگارش داستان سریال نوجوانی،

از همان ابتدا به طور آگاهانه آرای متعدد روانشناسان مطرح

دنیا مورد نظر بوده و از آنها بهره برده شده است. این سریال،

با بهره‌گیری از نظریه‌های روانکاوانه، مانند مفهوم «بازگشت

سرکوب‌شده» فروید، نشان می‌دهد که چگونه ترومای

سرکوب‌شده در نسل قبلی در قالب خشونت در نسل بعدی

بازمی‌گردد. جیمی، به عنوان حامل ناخودآگاه ترومای پدر،

در تلاش برای تعریف هویت خود به چارچوب‌های مردانگی

هنجارمند جامعه، به خشونت متوسل می‌شود. از منظر کلاّین،

می‌توان گفت جیمی در پوزیشن پارونوئید – اسکیزوئید قرار

دارد، جایی که بین اضطراب و خشم در نوسان است و کیتی

را به عنوان ابژه خارجی برای برون‌فکنی این خشم انتخاب

می‌کند. همچنین، نظریه دلبستگی بابلی می‌تواند رابطه نامن

جیمی با پدرش را توضیح دهد. دلبستگی نامن که ریشه در

تجربه‌های تروماتیک پدر دارد، به جیمی منتقل شده و او را در

برابر بحران‌های هویتی آسیب‌پذیر کرده است. سریال، با نمایش

این انتقال، به پیچیدگی‌های ترومای بین‌نسلی می‌پردازد و نشان

می‌دهد که چگونه زخم‌های روانی نسل‌های گذشته می‌توانند

آینده را شکل دهند. فضای خانه در قسمت چهارم، با دیوارهای

تیره و اشیای قدیمی، به عنوان نمادی از بار سنگین گذشته

عمل می‌کند. این فضا، در تضاد با اتاق سفید و پرآراده و روشن

درمان، نشان‌دهنده عمق ناخودآگاهی است که تروما در آن

مدفون شده است. از منظر لکان، جیمی در تلاش برای ورود

به نظم نمادین و پذیرش نقش‌های اجتماعی مردانگی است اما

فقدان «تام پدر» (به معنای اقتدار نمادین) در زندگی او، او را به

سمت فروپاشی سوژگی سوق می‌دهد. سریال، با این رویکرد،

نه‌تنها به ترومای شخصی جیمی، بلکه به تأثیرات گسترده‌تر

فرهنگی و اجتماعی بر شکل‌گیری تروما می‌پردازد. هنجارهای

جنسیتی جامعه که مردانگی را با خشونت و اقتدار تعریف

می‌کند، جیمی را تحت فشار قرار داده و او را به سمت عملی

قاجع‌بار هدایت کرده است. این سریال، در مقایسه با آثاری مانند

Euphoria Why 13 Reasons که بر خودکشی تمرکز دارد یا

که بر اعتیاد و بحران‌های جنسیتی تأکید می‌کند، با تمرکز بر

ترومای بین‌نسلی و رابطه پدر و فرزند، تصویری دیدنی ارائه

می‌دهد. استفاده از سکانس – پلان، این امکان را فراهم می‌کند

که مخاطب، همراه با دوربین، در سفری بی‌وقفه به عمق تروما

فرورد و جزئیات آن را، از روابط اجتماعی گرفته تا ریشه‌های

خانوادگی، کشف کند. این فرم، به سریال اجازه می‌دهد تروما

را نه به عنوان واقعه‌ای منفرد، بلکه به عنوان شبکه‌ای پیچیده از

روابط و تاریخچه‌های روانی به تصویر بکشد. در نهایت، نوجوانی

(۲۰۲۵) با کاوش در لایه‌های عمیق روان انسان، نشان می‌دهد

چگونه تروما، بویژه در دوره حساس نوجوانی، می‌تواند هویت

را متزلزل کند و از طریق نسل‌ها منتقل شود و این پیام را

منتقل می‌کند که فهم و بازخوانی تروما، نیازمند نگاهی عمیق

به گذشته و حال است.
